

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال سوم - شماره سوم - پائیز ۸۹ - شماره پیاپی ۹

بررسی برخی از ویژگیهای سبکی یا تصویرهای شاعرانه در غزلیات

حکیم نزاری قهستانی

(ص ۵۲-۳۷)

مهدی محقق (نویسنده مسئول)^۱، رحیم سلامت آذر^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۶/۲۲

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۹/۲

چکیده:

حکیم سعدالدین نزاری قهستانی از گویندگان بزرگ نیمه دوم سده هفتم و آغاز قرن هشتم است که آثاری به نظم از خود به یادگار گذاشته. اشعار نزاری ساده، بی‌پیرایه و خالی از تکلف است که در آنها، شاعر مضامین شعری خود را همراه با تصاویر شاعرانه زیبایی ارائه کرده.

یکی از مؤلفه‌ها و ویژگیهای سبکی در شعر هر شاعر توانایی وی در ارائه تشبیه و استعاره و بطور کلی صور خیال در شعرست و از این رهگذرست که قدرت شاعری او شناخته میشود و میتوان هنر وی را ارزیابی کرد. بنابراین، مقاله حاضر به بررسی تصاویر شاعرانه (تشبیه و استعاره) در شعر نزاری اختصاص یافته است. چرا که صور خیال مخصوصاً تشبیه و استعاره در تعیین سبک شعری نقش بسزایی دارد. در این مقاله، به شعر و خیال (تصویر) اشاره شده است. تشبیه‌ها و استعاره‌های غزلیات نزاری از لحاظ بسامد، موضوع (عناصر تصویر ساز)، فشردگی و گستردگی و نیز از جهت هدف شاعر از آوردن این تصاویر بررسی شده‌اند و در بخش پایانی مقاله درباره تناسب تصویر با موضوع بحث شده است.

کلمات کلیدی:

دیوان نزاری، غزلیات، ویژگیهای سبکی، عناصر تصویر ساز.

۱ - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج

۲ - دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج Rahim.salamatazar@gmail.com

مقدمه:

حکیم سعدالدین نزاری فوداجی بیرجندی قهستانی (۷۲۱-۶۴۵ ه. ق) از گویندگان بزرگ نیمه دوّم سده هفتم و آغاز قرن هشتم است. نزاری نام خاندان وی بوده است که سخنور نامبردار قهستان، آن را مانند نام هنری خویش (تخلص)، بکار برده است. نزاری از نام نزار، فرزند مستنصر، خلیفه فاطمی اسماعیلی گرفته شده است. نزاری در جوانی به کارهای دیوانی روی آورد، سفرهایی چند داشت، سرانجام به قهستان باز آمد؛ ازدواج کرد و صاحب فرزندان شد. درگذشت او را به سال ۷۲۱ ه. ق نوشته‌اند. نزاری به سخن ساده و بی‌پیرایه و خالی از تکلف گرایش دارد بویژه در وصف می و باده سرایی مشهور شده است و قسمت عمده دیوان او را غزلیاتش تشکیل می‌دهد.

نزاری علاوه بر شمس‌الدین محمد صاحب دیوان که در سفر تبریز به خدمت او رسیده و از او تربیت و انعام یافته، بعضی از رجال سیستان و خراسان و مخصوصاً سلاطین کورت را نیز در اشعار خود ستوده است.

کلیات دیوان نزاری مشتمل است بر قصاید، غزلهای، ترکیبات، ترجیعات، مقطعات و مثنویهای دستورنامه (به بحر متقارب)، ادب‌نامه بر همان بحر، سفرنامه به بحر رمل مسدس مقصور و ازهر و مزهر بر وزن و به تقلید از شیرین و خسرو، مثنوی مناظره روز و شب و مکاتبات منظوم.

غزلیات نزاری

دیوان نزاری قهستانی بر مبنای چاپ دو جلدی دکتر مظاهر مصفا هزار و چهارصد و هشت غزل دارد که دقیقاً تعداد ابیات آنها ۱۳۶۴۶ بیت است. تعداد غزلیات او چشمگیرست و ابیات اکثر غزلهایش مابین پنج تا دوازده بیت میباشد که بر پایه تعریف غزل فارسی است.

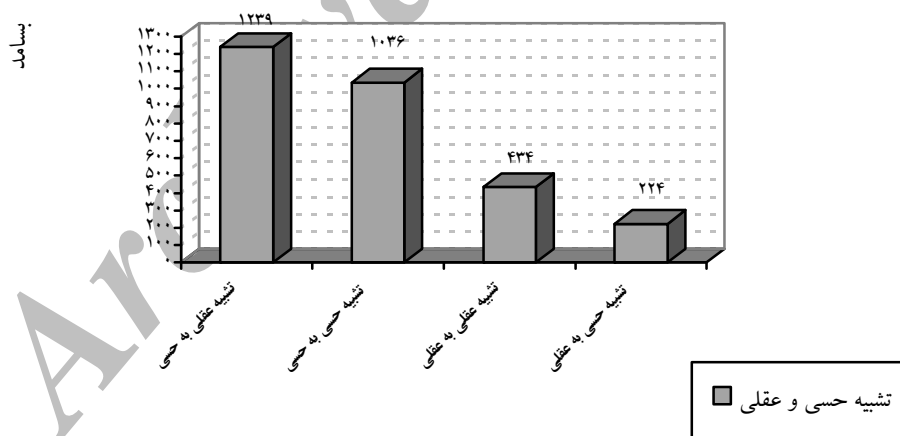
مرتبه نزاری در شاعری متوسط و در اشعارش ابیات خوب و سست بسیار در پی هم می‌آید یعنی غث و سمین فراوان دارد و شاید علت این امر اصرار نزاری بر ساختن اشعار ساده و روان باشد که گاه مبالغه درین امر به سست کردن ابیات منجر شده است.

غالب غزلهای حکیم نزاری حکایت جدال با مدعیان پارسایی و مقابله با سالوسگران مرایی است. به مردم زحمتکش و دهقان پیشه تعلق خاص دارد و در ستایش رنجبران و حمایت

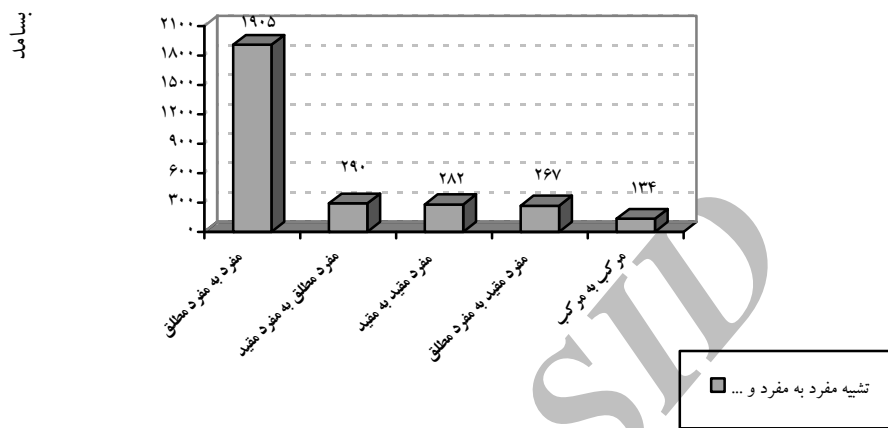
از کشاورزان که بار سنگین کار و کوشش را برای تأمین رفاه دیگران بر دوش میکشند با ستم پیشگان نمیجوشد و رعایت حق محتاجان و جانبداری بی‌پناهان را به بهای کناره‌گیری از مرکز قدرت و حکومت و خزیدن به کنج انزوا و عزلت به جان میخرد. در غزل و قصیده و مثنوی همه جا حنجره حق‌سنای او گذرگاه فریاد خشم و اعتراض است نسبت به متجاوزان و خونخواران و ویرانگران و غاصبان و همه جا آزرده‌گان روزگاران خود را در ظل بالای باریک و نزار و در کنار بازوان استخوانی اما مصمم و مهربان و استوار خود میگیرد. از مدح پادشاه و تمکین و عزت قربت او دست میتواند شُست و از رعایت مستمندان و ستم‌دیدگان نه.

بسامد تشبیه و استعاره در غزلیات نزاری

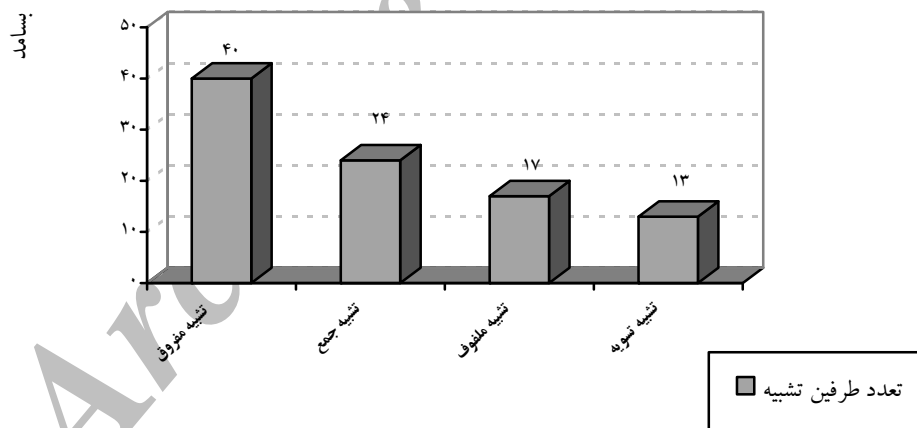
نزاری با توجه به وسعت معلومات و مهارت در سرودن شعر، بخوبی از تشبیه و استعاره در شعر بهره برده است، در نمودارهای ذیل بسامد انواع تشبیه و استعاره در شعر نزاری به طور تقریبی آمده است:



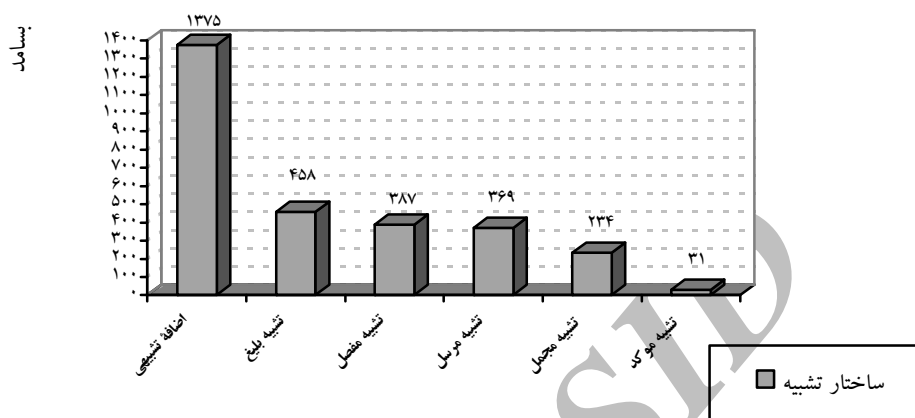
نمودار ۱: نمودار بسامد انواع تشبیه بر اساس حسی یا عقلی بودن طرفین آن (مشبه و مشبه به)



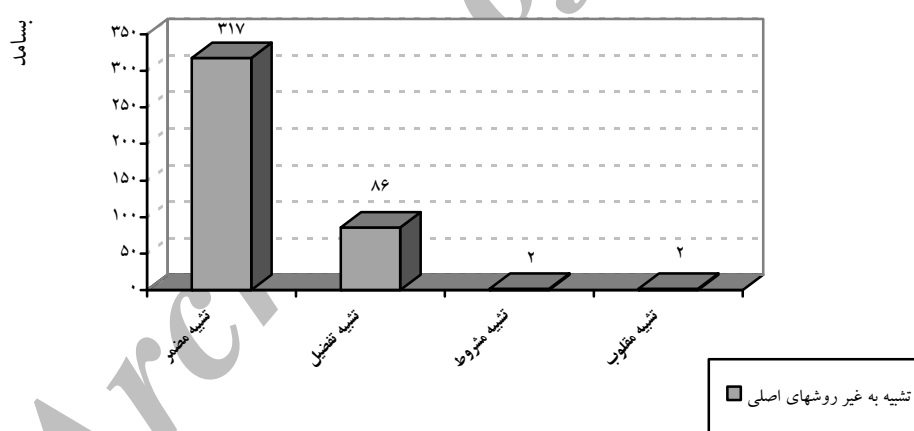
نمودار ۲: نمودار بسامد انواع تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین آن (مشبه و مشبه به).



نمودار ۳: نمودار بسامد انواع تشبیه به اعتبار تعداد طرفین تشبیه (مشبه و مشبه به).



نمودار ۴: نمودار بسامد انواع تشبیه به اعتبار ساختار تشبیه



نمودار ۵: نمودار بسامد تشبیه به غیر روشهای اصلی

ابتدایی ترین تلاش تخیل، برای برقرار کردن پیوند میان اجزای ناسازگار و ساختن تصاویر شاعرانه تشبیه است، آنهم تشبیه‌های معقول به محسوس. در مراحل بعدی تشبیه‌های محسوس به محسوس یا معقول به معقول و در نهایت تصاویر شاعرانه دیگر از قبیل استعاره و مجاز و کنایه و جز آن. با نگاهی به نمودارهای بالا در می‌یابیم که انواع تصاویر

شاعرانه در شعر نزاری وجود دارد و در کنار تشبیه‌های محسوس به محسوسی مانند تشبیه لب به یاقوت (غزل ۶۲۰ بیت ۴۶۷)، نغوله به کمند (غزل ۳۷۶ بیت ۳۷۳۰)، رخ به لاله (غزل ۵۴۰ بیت ۵۲۵۳) تشبیه‌های معقول به محسوسی همچون تشبیه عنایت به نوح و مغفرت به کشتی (غزل ۱ بیت ۴)، عشق به تیر (غزل ۱۶۰ بیت ۱۶۰۵)، کدورت به زنگ (غزل ۵۰۹ بیت ۴۹۶۴) نیز هستند. تشبیه‌های این شاعر گاهی بلیغ هستند که در آنها تنها مشبه به و مشبه ذکر شده، مانند مشتری طلعت (غزل ۷۵ بیت ۷۳۵)، سیم بر (غزل ۱۲۶ بیت ۱۲۳۷)، طاق ابرو (غزل ۲۸۲ بیت ۲۸۳۶)، سروقد (غزل ۳۲۷ بیت ۳۲۷۲)، پسته دهن (غزل ۳۹۷ بیت ۳۹۲۵) و گاه تشبیه‌هایی که سه رکن یا چهار رکن آنها در کلام ذکر شده مانند:

ز شرب خمر چنان ناشکیب چون گویم چنان مثل که زخورشید شیفته حربا (غزل ۳)
 دمی گر با تو درسازد دگر دم بسوزاند بر آتش چون سپندت (غ ۱۰۶)
 در آن وجود که از عشق جنبشی نبود بود معاینه چون صورتیکه بی جانست (غ ۱۷۲)
 دل ز بی صببری چو ذره مضطرب جان به نورالعین در عین وصال (غ ۷۵۹)

استعاره نیز که شکل فشرده و خلاصه شده تشبیه است، در شعر نزاری بسامد قابل توجهی دارد. هم استعاره مصرحه مانند «دود» در بیت ذیل که استعاره از «آه» است:

آه نزاری بسوخت خرمن صبر و شکیب ابر صفت کله بست دودِ دلم در هوا (غزل ۴)
 دوش می دیدم که بودی در کنارم آفتاب داشتی بر کف گرفته تا به لب جام شراب (غزل ۶۸)
 کنارم عاقبت پر شد ز یاقوت ز بس خوناب کز چشمم چکیدست (غزل ۲۹۰)
 از آن دوهندوی جادو به زیر ابروی طاق شدند بنده به صد دل مغول و تازیکش (غ ۶۹۴)

هم استعاره بالکنایه مثل «سپاه عشق» در بیت ذیل:

از ابتدا که لشکر ارواح برنشست عقل از سپاه عشق هزیمت کنان بجست (غزل ۲۴۰)
 به دستی شمع آلا الله برافروز به دیگر دست لا را دیده بخراش (غزل ۶۷۳)
 به شب چو خواب نمی یابم از هجوم خیال زحل قیاس گرفتم که پاسبان من است (غزل ۱۸۱)
 ای چشم عقل خسته آن غمزه چو تیر وی پای خلق بسته آن زلف هم چو شست (غزل ۲۰۸)

در بسیاری از اشعار نزاری، افعال، خصوصیات، اعمال و عواطف انسانی، به عناصر و موجودات بی جان نسبت داده شده و از این رهگذر فضای شعر او مملو از شور و نشاط و حس و حیات و حرکت گردیده است.

از نمونه‌های تشخیص در شعر نزاری میتوان به ابیات ذیل اشاره کرد:

دستِ روز اندر دهانِ قفلِ شب مفتاح را (غ ۲۱)	خانه خُم باز کن در، پیشتر زان کافکنند
به پنجه تو که را بازوی توانایی ست (غ ۳۳۱)	درآمدیم ز پای فراقِ مردم خوار
به زیر چادر شب روی در نقاب گرفت (غ ۳۴۹)	به آفتاب نگه کن که از حیا هرشب
از سر ما لطف تو دست چرا بر گرفت (غ ۳۵۱)	عقل سراسیمه شد صبر درآمد ز پای
با تو یک لحظه به خلوت کلماتی دارد (غ ۴۲۴)	از زبان من اگر گوش کنی باد صبا
که چرخ را دل بر جان من بمی سوزد (غ ۴۶۸)	چنان بسوخته ام در غم جدایی دوست
کآفتاب از رشک آن شکل و شمایل مست شد (غ ۵۱۰)	کیست آن خورشید در ابرِ عماری می بدست
لاله به گُھسار در چادر اطلس کشید (غ ۵۸۹)	سبزه به اشجار بر حله اخضر فکند
اگر بازگویند پیش آرس (غ ۶۶۴)	ز سیلاب چشمم تغیر کند
پیرانه سر به روز جوانی نثار باغ (غ ۷۲۹)	بر سبزه بین که چون گل بادام می کند
که عشق باز نمی گیردم ز دامن چنگ (غ ۷۵۲)	چگونه سر به گریبان غم فرونبرم

با توجه به ویژگیهایی که در تصاویر شعری نزاری وجود دارد، سبک تصویرسازی وی نمایانگر تصاویر و ترکیبات شعری سبک عراقی است و بنابراین، تصویر، باعث ابهام و تعقید در شعر این شاعر نشده و با توجه به تشبیه‌ها و تشخیصهای زیادی که در شعر نزاری وجود دارد، تصاویر شاعرانه، حس و حیات و حرکت ویژه‌ای به شعر این شاعر بخشیده است.

عناصر تشبیه در شعر نزاری

تشبیه‌های نزاری از لحاظ موضوعی نیز قابل بررسی است. وی از عناصر گوناگونی برای خلق این تصاویر شاعرانه بهره برده. عناصری از طبیعت بی جان، موجودات جاندار، آسمان و ستارگان، محیط پیرامون زندگی، دین اسلام و ادیان دیگر، اساطیر و تاریخ ایران و ... در ادامه به طبقه‌بندی مهمترین این عناصر پرداخته میشود:

۱- عناصر بی جان طبیعت

گاهی عناصر و پدیده‌های بی جان طبیعت باعث خلق تشبیه در شعر نزاری شده‌اند. در این نوع تشبیه‌ها، شاعر حیرت را به طوفان (غزل ۱/بیت ۳)، توبه را به آب (۲۰/۳)، صهبا را به آتش (۲۶/۳) تشبیه می‌کند و با بررسی غزلیات نزاری بنظر میرسد که شاعر از عناصر اربعه (خاک، آب، باد و آتش) و دریا و طوفان بیشتر استفاده کرده و کاربرد این کلمات بعنوان مشبه به از بسامد بالایی در دیوان شاعر برخوردارست. و از این نوع تشبیه است: کرم به آب (۵/۱)، چهره به کاه ربا (۲۶/۳)، حسرت به آتش (۳۵/۴)، دل به آتش (۳۶/۴)، دل به سنگ خارا (۷۶/۹)، مجلس به قلزم (۱۸۱/۲۱)، خشم به آتش (۲۱۸/۲۵)، سخن به برق (۲۲۶/۲۶)، می به آتش (۲۷۳/۳۱)، بلا به بحر (۲۹۷/۳۳)، دعا به آتش (۳۳۵/۳۷)، عشق به جیحون (۳۹۰/۴۲)، صابری به کاه (۴۱۵/۴۵)، عشق به صرصر (۴۱۵/۴۵)، سینه به بحر (۵۴۴/۴۸)، غرور به باد (۵۵۶/۵۹)، فنا به باد (۵۶۷/۶۱)، عشق به محیط (۶۱۲/۶۵)، شراب به برق (۶۷۰/۷۱)، غیرت به آتش (۷۵۱/۷۵)، عشق به قلزم (۸۷۱/۸۸)، جهل به طوفان (۹۶۵/۹۷)، عشق به آتش (۱۰۰۵/۱۰۱)، هجران به آتش (۱۰۲۷/۱۰۴)، سرشک به ژاله (۱۰۳۰/۱۰۴)، آه به آتش (۱۰۳۱/۱۰۴)، سودا به آتش (۱۰۳۴/۱۰۵)، مدعی به صبح نخست (۱۱۰۸/۱۱۲)، خوناب به موج (۱۳۰۱/۱۳۱)، جان به خرمن (۱۳۰۳/۱۳۱)، چشم به قلزم (۱۳۳۳/۱۳۴)، دل به سنگ (۱۳۸۱/۱۳۸)، عشق به بحر (۱۴۲۴/۱۴۲)، ضلال به قلزم (۱۴۸۱/۱۴۸)، دیده گریان به ابر نیسان (۱۶۳۱/۱۶۳)، آز به قلزم (۱۵۰۲/۱۵۰)، زلف به شب (۱۷۸۰/۱۷۷)، بلا و فتنه به طوفان (۲۵۰۳/۲۴۶)، غفو به آب (۲۵۷۳/۲۵۲)، معشوق به آفتاب (۳۵۳۱/۳۵۴)، عمر به باد (۳۵۹۷/۳۶۱)، هجران به ورطه (۳۶۶۹/۳۶۹)، فکر به گرداب (۷۷۴۹/۷۸۷)، جهالت به خلاب (۷۳۳۵/۷۴۴)، عقل به بیابان (۷۲۹۴/۷۴۱)، رقیب به ابر تاریک (۶۸۹۱/۷۰۳)، نیاز به کشتی (۶۲۸۸/۶۴۳)، غم به آتش (۴۵۷۹/۴۶۸)، آه به شعله (۴۵۷۲/۴۶۷).

۲- موجودات جاندار

موجودات جاندار نیز در پاره‌ای تشبیه‌های نزاری، یک سوی تصویر را تشکیل می‌دهند. وی در این نوع تشبیه‌ها، چشم را به آهو (۳۵/۴)، تیره شب را به نهنگ (۲۵۲/۲۹)، خودش

یعنی نزاری را به کرم پیله تن (۵۲۸/۵۷) مانند کرده است و از این نوعست: ملامت به نهنگ (۸۷۱/۸۸)، غم به پیل (۹۱۲/۹۳)، زلف به عقرب (۹۹۸/۱۰۰)، بلا به نهنگ (۱۳۹/۱۳۸۶)، وصل به آهو (۱۴۶۲/۱۴۶)، دنیا به گرگ مردم خوار (۱۵۵۷/۱۵۷)، عشق به شیر (۶۱۶۵/۶۳۱)، حُسن به اسب (۵۶۲۷/۵۷۸)، هیبت به پلنگ (۴۴۴۳/۴۵۳)، زلف به مار (۴۹۴۱/۵۰۷)، محتسب به تمساح (۳۸۰۹/۳۸۳)، رقیب به پلنگ (۲۹۸۷/۲۹۷).

۳- اساطیر و تاریخ ایران

اسطوره‌ها و تاریخ ایران هم در برخی موارد در ایجاد تشبیه در شعر نزاری نقش داشته‌اند. وی در اکثر موارد دنیا را به زال یا پیر زال تشبیه کرده است که ضمن اشاره به پیر بودن دنیا تناسبی نیز با زال پدر رستم می‌تواند داشته باشد که سفید موی به دنیا آمده بود. و از این نوعست: جهان به پیر زال (۳۵۳/۳۹)، رقیب به آرش (۱۴۲۳/۱۴۲)، حرص به پیر زال (۳۱۴۹/۳۱۳)، دنیا به زال (۶۸۳۱/۶۹۷)، جهاد به رخس (۵۱۶۷/۵۳۱)، عشق به تهمت (۴۷۰۹/۴۸۲)، خرد به قاف (۴۵۰۴/۴۵۹)، جان به سیمرغ (۹۸۳/۹۸).

۴- آسمان، ماه، خورشید و ستارگان (اجرام آسمانی)

در این نوع تشبیه‌ها شاعر، بیشتر محبوب و معشوق و باده را به ماه و خورشید مانند کرده است. از این قبیل است: تشبیه روی به ماه (۴۵/۵)، باده به خورشید (۴۹۷/۵۵)، نقاب به ابر (۶۰۳/۶۵)، رخ به آفتاب (۶۰۳/۶۵)، قدح به ماه (۶۱۶/۶۶)، طلعت به مشتری (۷۵/۷۳۵)، وصال به خورشید (۱۰۳۶/۱۰۵)، معشوق به آفتاب (۱۰۸۲/۱۱۰)، جمال به آفتاب (۱۳۴۵/۱۳۵)، عشق به خورشید (۱۴۴۸/۱۴۵)، طلعت به خورشید (۱۷۸۳/۱۷۷)، امید به ماه (۷۲۲۳/۷۳۴)، ابروان به هلال (۶۵۰۹/۶۶۶)، سیما به مشتری (۵۹۹۰/۶۱۴).

۵- ابزار جنگ

نزاری از پاره‌ای ابزارهای جنگی هم در تشبیه‌های خود بهره برده، در این نوع تشبیه‌ها، زبان را به تیغ (۲۸/۳)، گرانان تندخوی را به دبوس (۲۰۴/۲۴)، غمزه را به تیغ (۳۲۰/۳۶)، طعنه را به تیر (۳۵۸/۳۹)، ابرو را به کمان (۳۵۸/۳۹)، سر تهی را به طبل (۵۵۶/۵۹)، دور را

به منجنیق (۵۶۰/۶۱)، بی‌نیازی را به تیغ (۱۰۵۷/۱۰۷)، مژه را به سنان (۱۳۲۹/۱۳۳)، عاشق را به تیر (۱۴۲۳/۱۴۲)، عشق را به تیر (۱۶۰۵/۱۶۰)، بلا را به تیغ (۱۶۶۵/۱۶۶)، مرگ را به تیر (۱۶۶۵/۱۶۶)، غمزه را به پیکان (۱۷۰۷/۱۷۰)، زلف را به شست (۲۰۸/۲۱۳۸)، صابری را به سپر (۲۱۷۱/۲۱۲)، غمزه را به خدنگ (۳۱۰۸/۳۰۹)، سینه را به سپر (۳۱۰۸/۳۰۹)، نیاز را به تیغ (۳۰۹۹/۳۰۹)، رشک را به سنان (۶۷۴۵/۶۹۰) تشبیه کرده است که در این میان تیر و تیغ از بسامد بالایی برخوردار است.

۶- عناصر خیالی

در بعضی موارد، نزاری از عناصر خیالی در تشبیه‌سازی بهره برده، شواهد این نوع عناصر عبارتست از تشبیه: ظلمت به حجاب (۳/۱)، جان به سیمرخ (۹۸۳/۹۸)، زلف به حجاب (۱۹۴۳/۱۸۹)، معشوق به پری (۱۳۵۳/۱۳۶)، رقیب به حجاب (۴۷۰/۵۲)، معشوق به حور (۳۵۷/۳۹)، زهد و ورع به حجاب (۲۶۹/۳۱)، یار به پری (۱۴۲۴/۱۴۲).

۷- ابزارآلات، فلزات و سنگها

در بعضی از تشبیه‌ها نزاری ابزارآلات و فلزات و سنگها را بعنوان مشبّه به تشبیه خود قرار داده است از این قبیل است: سینه به آینه (۵۹/۷)، عاشق به پرگار (۲۴۴/۲۸)، خودش یعنی نزاری به سوزن (۳۸۴/۴۱)، دل به آینه (۲۴۳/۲۸)، طمع به کلید (۴۶۴/۵۱)، روح به آینه (۸۰۴/۸۰)، دل به آبگینه (۱۳۸۱/۱۳۸)، دل به سندان (۱۷۲۸/۱۷۲)، محبت به مسمار (۲۰۲۸/۱۹۶)، عشق به نعل (۲۰۲۸/۱۹۶)، عشق به مسمار (۲۲۵۳/۲۲۰)، فکر به سوزن (۳۱۰۰/۳۰۹)، مژه به مسمار (۳۰۹۲/۳۰۸)، زلف به زنجیر (۳۰۷۲/۳۰۶)، سینه و بر به سیم (۷۶/۹)، گونه به لعل (۲۶/۳)، دندان به درّ عدن (۳۹۰/۴۲)، گوش به سیم (۹۸/۱۲)، اشک به دُر (۴۹۰/۵۴)، لب به‌آقوت (۶۲۰/۶۷)، لب به لعل مذاب (۷۳۱/۷۵)، حکمت به گوهر (۷۸۸/۷۹)، می به لعل مذاب (۷۵۵/۷۷)، سرشک به سیماب (۱۰۹۷/۱۱۲)، معنا به دُر (۱۲۵۶/۱۲۷)، تن به سیم (۱۳۳۲/۱۳۴)، اشک به لؤلؤ (۱۷۸۵/۱۷۷)، خون دل به‌آقوت (۱۸۳۱/۱۷۹)، سخن به دُر (۷۲۰۱/۷۳۲)، اشک به دُر یتیم (۵۵۹۶/۵۷۵).

۸- عناصر دینی و مذهبی

عناصر دینی و مذهبی نیز در شعر نزاری باعث خلق تشبیه‌های زیبایی شده‌اند. وی در این نوع تصاویر هم از اصطلاحات و مسایل دین اسلام استفاده کرده و هم از مسایل ادیان دیگر. از این نوع تشبیه‌هاست: عنایت به نوح (۴/۱)، مغفرت به کشتی نوح (۴/۱)، جان به بلقیس (۲/۲)، دل به سلیمان (۲/۲)، معشوق به یوسف جان (۱۹/۲)، توبه به بلقیس (۳۰/۳)، جان به روضه (۳۵/۴)، نفس به نیل (۱۷۹/۲۱)، باد صبا به یوسف (۳۷۸/۴۱)، قیاس و رای به عزّی و لات (۴۸۵/۵۳)، وحدت به کعبه (۵۸۶/۶۳)، مجلس اصحاب به بهشت (۶۶۷/۷۰)، وحدت به سرافیل (۷۶۵/۷۸)، صبح به عقوب (۸۱۸/۸۲)، زلف به چلیپا (۸۵۰/۸۶)، لب به چشمه خضر (۹۷۵/۹۸)، رقیب معتکف حضرت به مار بر در فردوس (۱۱۰۳/۱۱۲)، شب فراق به روز قیامت (۱۱۶۵/۱۱۹)، معشوق به یوسف (۱۲۵۴/۱۲۷)، حیرت به رستخیز (۱۲۶۷/۱۲۸)، عاشق به خلیل (۱۴۱۰/۱۴۰)، دنیا و دین به هبل و لات (۱۴۱۰/۱۴۰)، کوی یار به روضه جنات (۱۵۶۲/۱۵۶)، دل بریان به دوزخ سوزان (۱۶۳۱/۱۶۳)، رقیب به دیو رجیم (۱۶۷۱/۱۶۶)، شب وصل به شب قدر (۱۷۲۱/۱۷۱)، معشوق به روح قدس (۱۷۹۲/۱۷۷)، می به مسیح (۷۱۷۶/۷۲۹)، انگور به مریم (۷۱۷۶/۷۲۹)، محبت به صور (۵۶۰۱/۵۷۶)، عشق به سدره (۴۵۰۴/۴۵۹).

۹- گلها و گیاهان و میوه‌ها

گلها و گیاهان نیز از عناصر تشبیه‌ساز در شعر نزاری هستند، وی معشوق را به غنچه (۶۷/۸)، توبه را به زمهریر (۲۸۲/۳۲)، عاشق را به عدس (وجه شبه: پوست از سر باز کردن) (۳۲۲/۳۶) تشبیه کرده است و از این قبیل است: پستان به نار (۳۲۷/۳۷)، دل به سپند (۳۳۵/۳۷)، قامت به صنوبر (۳۶۴/۴۰)، دهن به پسته (۳۶۶/۴۰)، رخ به گل (۵۴۸/۵۹)، زلف به سنبل (۶۲۷/۶۷)، عارض به لاله (۶۴۸/۶۹)، عشق به عقاقیر (۸۵۶/۸۶)، قامت معشوق به سرو بوستان (۱۳۲۳/۱۳۳)، دل به باغ (۱۳۴۶/۱۳۵)، معرفت به نهال (۲۰۴۵/۱۹۸)، بالا به سرو (۲۰۷۴/۲۰۲)، خط به سبزه (۱۵۸/۱۸)، روی معشوق به گلستان (۱۶۸/۲۰)، بناگوش به سمن (۷۰۴۲/۷۱۶)، رخ به لاله (۷۰۴۲/۷۱۶)، عارض به سبزه زار (۵۷۹۲/۵۹۴)، چشم به نرگس (۲۳۸۳/۲۳۴).

۱۰- پرندگان

پرندگان نیز در تشبیه‌های نزاری حضور دارند. شواهد این نوع عناصر عبارتست از تشبیه: باد صبا به هدهد (۲/۲)، عاشق به بلبل (۱۶۸/۲۰)، عاشق به پروانه (۵۳۵/۵۸)، دیده‌عاشق به خفّاش (۶۲۵/۶۷)، عقل به شب‌پره (۱۱۳۰/۱۱۵)، عاقلان به مرغ (۱۵۲۷/۱۵۳)، دل به مرغ (۱۶۴۰/۱۶۴)، جان به مرغ (۶۲۱۱/۶۳۶)، آه به مرغ (۶۳۴۵/۶۴۸)، خاطر به هما (۵۴۸۴/۵۶۲)، سودا به مرغ (۴۸۹۹/۵۰۲) که در این میان نقش مرغ در معنای پرنده و همچنین مرغ عیسی یا خفّاش یا شب‌پره از همه بیشتر است و از بسامد بالایی برخوردار میباشند.

عناصر تشبیه‌ساز در شعر نزاری متنوعست، اما بیشتر این عناصر، همان عناصریست که در شعر شعرای پیشین نیز دیده میشود ولی موضوعهایی که به این عناصر تشبیه شده است، بعضاً تازه است و نوآوری‌هایی در این زمینه در شعر این شاعر مشاهده میشود؛ مثلاً در ابیات ذیل:

عیسی نفس نیارد با معجزِ دهانت موسی نظر بدوزد از پرتوِ جلالت (غ ۳۶۰)
«معجز دهان» مشبّه؛ «نفس بخشی عیسی» مشبّه به. «پرتو جلال» مشبّه؛ «ید بیضاء موسی» مشبّه به.

اگر به بتکده‌ای درشود عجب نبود که پیش او هُبل از طاق در نماز آید
گل از طراوتِ رویش خجل شود در باغ چو سرو قامتِ حسنش در اهتزاز آید (غ ۵۸۱)
«روی» مشبّه؛ «گل» مشبّه به.

گر نهی بر ره اسلام ز زلفت دامی عالمی خلق درافتند چو کافر به ضلال (غ ۷۵۸)
«زلف» مشبّه؛ «دام» مشبّه به.

با خودی خود مرو در حرم عاشقان قطره به دریا مریز زیره به کرمان مبر (غ ۶۰۷)
«خودی خود» مشبّه؛ «قطره، زیره» مشبّه به. «حرم عاشقان» مشبّه؛ «دریا، کرمان» مشبّه به.

تصاویر شاعرانه نزاری از لحاظ فشرده‌گی و گسترده‌گی

تصاویر شاعرانه نزاری در پاره‌ای موارد فشرده است و در پاره‌ای موارد جنبه تفصیلی دارد و در فضای دو یا چند مصراع مطرح میشود. در آغاز رواج شعر به زبان دری، تصاویر

شعری در بسیاری موارد جنبه تفصیلی داشت که اغلب در فضای چند مصراع یک تصویر با تمام جزئیات ارائه میشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۴۰۵) ولی در دوره‌های بعد جنبه فشردگی تصاویر غالب میشود، بطوریکه در شعر شاعران سبک عراقی و هندی در یک بیت دو یا چند تصویر ارائه میشود. برای مثال در بیت زیر از صائب تبریزی:

آبها آینه‌سرو خرامان تواند / باده‌ها مشاطه زلف پریشان تواند
(صائب، دیوان اشعار: ۱۲۱۳/۳)

آب به آینه تشبیه شده. باد به مشاطه. سرو، استعاره از قامت یار و مشاطه بودن باده‌ها، استعاره بالکنایه (تشخیص) است.

در اشعار نزاری در کنار تصاویر فشرده‌ای از قبیل آتشِ خشم (غ ۲۵ بیت ۲۱۸)، بحر سینه (غ ۴۸ بیت ۴۴۱)، اکسیر می (غ ۶۲ بیت ۵۷۱)، سنگ ملامت (غ ۲۶۰ بیت ۲۶۵۵)، تپه ضلال (غ ۲۸۴ بیت ۲۸۵۱)، ورطه هجران (غ ۳۶۹ بیت ۳۶۶۹)، چاه محنت (غ ۴۱۱ بیت ۴۰۴۷)، لعل لب (غ ۴۴۵ بیت ۴۳۷۱)، خدنگ غمزه (غ ۵۸۴ بیت ۵۶۹۲)، زهر غصه (غ ۷۰۷ بیت ۶۹۳۴)، رقیب پلنگ (غ ۷۵۲ بیت ۷۴۰۶)، قلمز عشق (غ ۷۸۷ بیت ۷۷۴۹)، تصاویر تفصیلی وجود دارد که در فضای چند مصراع ارائه شده‌اند:

ز شربِ خمر چنان ناشکیب چون گویم	چنان مثل که ز خورشید شیفته حربا (غ ۳)
از نثارِ مژه چون گوش تو در دُر گیرم	قدم هرکه سلامی ز تو آرد بر ما (غ ۵۴)
خیالم ز ماه قدح لمحّه ای	جدا نیست هم چون فی از آفتاب
نه در جام کی می نمودی جهان	چه کم بود جام کی از آفتاب
ز جام صبوحی گریزان مباش	چو خفاش در هر پی از آفتاب (غ ۶۶)
زان دلم با دلِ توصاف چوجان با جان است	که میان من و تو جز من و تو نیست حجاب (غ ۷۴)
دهن سبزه پر از لؤلؤی شبنم گویی	سبزه گرد لب یارست و درو دُر خوشاب (غ ۷۹)
دل بی طاقتم از روی غمت چون خجلست	راست چون قطره شبنم که ز حیون خجلست (غ ۱۴۹)

برای دیدن مثالهای بیشتر رجوع شود به بیت‌های شماره ۱۸۹۲-۱۸۹۳-۲۳۶۹-۲۳۷۰-۴۴۱۵-۵۰۴۰-۵۰۹۱-۵۰۹۲-۵۱۲۳-۵۱۲۴.

هدف نزاری از آوردن تصاویر شاعرانه

هدف نزاری، از آوردن تصاویر شاعرانه در شعر، گاه برای تصویرسازی و توصیف است و گاه در جهت القای عاطفه و معنی؛ یعنی، نزاری در پاره‌ای موارد، تصاویر شاعرانه را بیشتر

برای این که تصویرسازی و توصیف کند و بر زیبایی شعر خود بیفزاید، در شعر می آورد و در مواردی دیگر از تصویر در جهت تأثیرگذاری بیشتر معانی و عواطف و احساساتی که در شعر مطرح میکند، بهره میبرد. نمونه‌هایی از تصاویری که برای توصیف و تصویر شعر آمده است:

- یاد آن شبها که بودی در کنارم آفتاب
 « لب » مشبه؛ « یاقوت » مشبه به .
 بر لبم یاقوت لب در جام می لعل مذب (غ) ۶۷
- روی من آینه از آهن چینی پندار
 « روی » مشبه؛ « آینه » مشبه به .
 روی زیبا کسی از آینه محجوب نکرد (غ) ۴۴۸
- باغ چو دیباوشی ست [در قدم نوبهار]
 « باغ » مشبه؛ « دیبا » مشبه به .
 ناله مرغان خوشست بر رخ گل زار زار (غ) ۶۰۲
- خوش موسمیست خاصه دو آهنگ کرده‌اند
 « نزاری » مشبه؛ « بلبل » مشبه به .
 بلبل نوای سرو و نزاری نوای گل (غ) ۷۸۲
- هر که شد حاشاکم الله زال دنیا را زیون
 « دنیا » مشبه؛ « مشبه به » مشبه به .
 مرد نبود بل که کم دانند مردان از زنش (غ) ۶۹۷
- خنک دستی که از طوبای قددت
 « قد » مشبه؛ « طوبی » مشبه به .
 به شفتالو گرفتن بر رسیده ست (غ) ۲۹۰
- نمونه‌هایی از تصاویری که برای القای عاطفه و معنی آمده است:
- نه به کیسه سیم دارم نه به عقل هنگ و سنگی
 من صید ساقی که کمند نغوله را
 تو بری چو سیم داری ودلی چوسنگ خارا (غ) ۹
- قیامتی که بدان وعده می دهند الحق
 « فراق » مشبه؛ « قیامت » مشبه به .
 در گردن افکند ز بُناگوش هم چو عاج (غ) ۳۷۶
- فراق یار عزیزست وسخت دشوارست (غ) ۲۲۰
- هاتف عشق گفت هان خشم مکن نزاریا
 « عشق » مشبه؛ « هاتف » مشبه به .
 دل شدوگر نُطق زنی از همه وارها نمت (غ) ۳۶۸
- چه گونه صورت شیرین هنوز در سنگ است
 تنور سینه پراآتش من
 خیال روی تو در چشم من چنان باشد (غ) ۴۸۹
- به طوفان ملامت کی شود سرد (غ) ۴۵۴

« سینه » مشبه؛ « تنور » مشبه به . « ملامت » مشبه؛ « طوفان » مشبه به .

بسوزد آتشِ دوزخ وجودِ عاصی را
چنان که جانِ نزاری ز هجر یار بسوخت
(غ ۱۰۴-ج ۱-ص ۶۱۶-ب ۱۰۳۳)

نتیجه:

نزاری یک شاعر تصویرگراست که تشبیه و استعاره‌های فراوان و متنوعی در شعر وی وجود دارد. این شاعر از عناصر گوناگونی برای تصویرآفرینی استفاده کرده است. در شعر نزاری هم تصاویر فشرده بسامد بالا و تصاویر تفصیلی بسامد پایینی دارند. با توجه به تشبیه‌های محسوس به محسوس، معقول به محسوس و تشخیص‌های فراوانی که در شعر نزاری وجود دارد، تصویر، باعث ابهام و تعقید در شعر وی نشده و تصاویر شاعرانه حس و حیات و حرکت ویژه‌ای به شعر این شاعر بخشیده است و این سبک تصویرسازی در شعر، بیشتر یادآور تصاویر شاعرانه شعرای پیشین و شعرای معاصرش از جمله سعدی است. هدف شاعر از آوردن تصاویر شاعرانه گاه برای تصویرسازی و توصیف است و گاه برای بیان و القای عاطفه و معنی. نزاری از تناسب تصویر با موضوع آگاهی داشته و تصاویر وی عموماً با موضوع، ارتباط و هماهنگی دارد. بسیاری از عناصر تصویرساز در شعر نزاری همان عناصریست که در شعر شاعران پیشین هم دیده میشود که وی با استادی آنها را در شعر خود وارد کرده است، بنابراین نزاری در ارائه تصاویر هم به شیوه تصویرسازی شعرای پیشین نظر داشته و هم به شیوه شعرای معاصر خود.

فهرست منابع:

- ۱- احمدنژاد، کامل (۱۳۸۰)، کلیات مسائل ادبی، تهران: انتشارات پوران پژوهش.
- ۲- بهار، محمد تقی (۱۳۸۰)، سبک شناسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱) سفر در مه. ویراست جدید. تهران: انتشارات نگاه.
- ۴- جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۰۴ ه.ق) اسرارالبلاغه. ترجمه جلیل تجلیل، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ ه. ش.
- ۵- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۷۵) تعلیقه بر اساس الاقتباس. به کوشش سید عبدالله انوار. دو جلد. چاپ اول: تهران: نشر مرکز.

- ۶- رجایی، محمد خلیل (۱۳۵۹)، معالم البلاغه، انتشارات دانشگاه شیراز .
- ۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶) صور خیال در شعر فارسی . چاپ سوم . تهران: آگاه.
- ۸- _____ (۱۳۷۰) موسیقی شعر . تهران : آگاه .
- ۹- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) بیان . چاپ سوم . تهران: انتشارات فردوس .
- ۱۰- صائب تبریزی، میرزا محمد علی (۱۳۷۵) دیوان اشعار . به کوشش محمد قهرمان . ۶ جلد . چاپ سوم . تهران: انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۱۱- فرای، نورتروپ (۱۳۶۳) تخیل فرهیخته . ترجمه سعید ارباب شیرانی . تهران: نشر دانشگاهی .
- ۱۲- قدامه بن جعفر، ابی الفرج (بی تا) نقدالشعر . تحقیق و تعلیق الدكتور محمد عبدالمنعم خفاجی . بیروت: دارالکتب العلمیه .
- ۱۳- نزاری فهستانی، سعدالدین، تصحیح انتقادی دکتر مظاهر مصفا، انتشارات علمی (جلد اول)، ۱۳۷۱ .
- ۱۴- _____، نشر صدوق (جلد دوم)، ۱۳۷۳ .
- ۱۵- ولک، رنه (ج ۱، ۱۳۷۳- ج ۲، ۱۳۷۴) تاریخ نقد جدید . ترجمه سعید ارباب شیرانی. چاپ اول . تهران: انتشارات نیلوفر .
- ۱۶- همایی، جلال الدین (۱۳۷۵)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما .
- ۱۷- _____ (۱۳۷۳)، معانی و بیان، مؤسسه نشر هما، چاپ دوم.

Archive of SID